

جایگاه کشورهای منطقه خلیج فارس در سیاست‌های تأمین انرژی اتحادیه اروپا

* مرتضی باقیان

** سید حمید حسینی

*** محمدجواد موسی نژاد

چکیده

موقعیت راهبردی، بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز مهم‌ترین دلایل اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس به شمار می‌روند. خلیج فارس همچنین نقطه پیوند سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا محسوب می‌شود و نزدیک به ۶۵ درصد از ذخایر نفتی جهان در این منطقه واقع است. نیاز روزافزون کشورهای صنعتی به انرژی و به‌ویژه نفت، این منطقه را همچنان کانون توجهات قدرت‌های بزرگ قرار داده است. اتحادیه اروپا یکی

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران (Mortezabaghian@gmail.com).

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران.

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۱/۲۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۱.

از مهم‌ترین بلوک‌های مصرف انرژی در جهان است که به دلیل چالش‌های موجود در زمینه نفت و گاز، سیاست تنوع‌سازی در منابع تأمین انرژی را دنبال می‌کند. منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس از مهم‌ترین منابع تأمین انرژی است. پژوهش حاضر، سیاست‌های انرژی اروپا و همچنین روابط منطقه‌ای این اتحادیه و حوزه خلیج فارس را بررسی می‌کند.

فرضیه مقاله پیش رو این است که با وجود افزایش چالش‌های بین‌المللی امنیت انرژی (افزایش قیمت انرژی، تشدید رقابت بر سر منابع با حضور کشورهای پرمصرفی همچون چین و هند)، ذخایر نفت و گاز خلیج فارس منبعی برای تنوع عرضه انرژی به اروپا است.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، امنیت انرژی، اتحادیه اروپا، تنوع‌سازی منابع انرژی، روابط بین منطقه‌ای.

مقدمه

اغراق نیست اگر بگوییم که توسعه صنعتی و فنی جهان، به امنیت عرضه انرژی به صورتی قابل اعتماد و مقرون به صرفه همراه با کاهش مخاطرات زیست محیطی گره خورده است. نوسان قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های اخیر، حساسیت به هزینه‌های انرژی را افزایش داده است و هشدار می‌دهد که منابع نفت و گاز محدودند. این نگرانی، دولت‌های مصرف‌کننده و عرضه‌کننده را به تکاپو واداشته است تا هر چه بیشتر کنترل بر تولید، عرضه و تجارت انرژی را افزایش دهند (IEA, s World Energy Report, 2008).

اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین بازار مصرف انرژی در جهان به شمار می‌رود و در حال حاضر روسیه یکی از تأمین‌کنندگان اصلی انرژی اتحادیه اروپا است و گذشته از تأمین مستقیم انرژی بازار اروپا، نقش مسیری ترانزیتی را به‌ویژه در انتقال گاز دریای خزر و آسیای مرکزی بازی می‌کند (Monkoff, 2009:175). روسیه به‌خوبی از افزایش نقش انرژی در معادلات اقتصادی و سیاسی جهان و امنیت انرژی در قرن ۲۱ آگاه بوده و درصدد بهره‌گیری از اهرم انرژی به‌منظور تقویت جایگاه سیاسی و اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی است. زمانی که روسیه در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ شیرهای صدور گاز را بر اوکراین و روسیه سفید بست، نگرانی نشئت‌گرفته از این رفتار در میان کشورهای پیرامون روسیه افزایش زیادی یافت و دولت‌های اروپایی به‌تدریج به این نتیجه رسیدند که سیاست انرژی کرملین می‌تواند در درازمدت برای استقلال اتحادیه اروپا به‌ویژه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی خطرناک باشد و زمینه نفوذ دوباره کرملین در این مناطق را به همراه آورد؛ این امر نقش مهمی در تحول مفهوم امنیت انرژی در اتحادیه اروپا داشته است. اتحادیه اروپا با در نظر

گرفتن این مخاطرات و به‌منظور کاهش وابستگی خود به انرژی یک منطقه خاص، سیاست تنوع‌سازی کشورهای تأمین‌کننده انرژی و استفاده از انرژی‌های سبز را دنبال می‌کند. یکی از مهم‌ترین مناطقی که اتحادیه اروپا در زمینه تأمین انرژی به آن توجهی ویژه دارد، منطقه خلیج فارس است. اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر روابط منطقه‌ای با کشورهای این حوزه را در اولویت سیاست خارجی قرار داده است. خلیج فارس، سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد و بخشی از یک سیستم اتصال به دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند محسوب می‌شود. خلیج فارس از سده نوزدهم بخشی از حوزه نفوذ دولت انگلیس و پس از جنگ جهانی دوم حوزه نفوذ مشترک آمریکا و انگلیس بوده است. کشف و استخراج نفت در کشورهای حاشیه این خلیج و جزیره‌های آن، بر اهمیت خلیج فارس در چند دهه اخیر افزوده و آن را به یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان تبدیل کرده است. در طبقه‌بندی مناطق استراتژیک، خلیج فارس همچنان در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار دارد. اخلال در صادرات انرژی از این آبراه حتی برای مدت زمانی کوتاه، می‌تواند زندگی در کشورهای صنعتی را تهدید کند (Sajadi, 2009: 77-78).

چهارچوب نظری

۱. امنیت انرژی

امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی اشاره و تلاش می‌کند تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، تکنیکی، زیست محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کاهش دهد. امنیت انرژی از دیدگاه مصرف‌کنندگان به معنای آن است که دسترسی آسان و بدون خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد. همچنین این منابع به صورت منطقی از نظر جغرافیایی و همچنین مسیرهای انتقال، تنوع و گوناگونی دارند. امنیت انرژی در درازمدت بیشتر به سرمایه‌گذاری برای ذخیره کردن انرژی در راستای توسعه اقتصادی و در کوتاه‌مدت به تغییرهای ناگهانی در عرضه و تقاضا مرتبط است (www.iea.org, 2009).

امنیت انرژی در طول زمان دچار تحول شده است. در میانه سده بیستم این امنیت به معنای اطمینان از دسترسی به نفت مورد نیاز در زمان جنگ برای قدرت‌های بزرگ تعریف می‌شد. در دوران جنگ سرد، سیاست انرژی ورای حوزه صرفاً امنیتی قرار داشت. مبادلات و تجارت انرژی نقش محوری در اقتصاد جهانی بازی می‌کرد؛ آنگونه که اختلال یا قطع عرضه انرژی و شوک‌های قیمت بر کارایی و کارکرد اقتصادی واردکنندگان تأثیری فراوان می‌گذاشت. به‌ویژه تحریم‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ موضوع امنیت را بیش از پیش به حوزه مسائل انرژی وارد کرد. موضوع اصلی امنیت انرژی در آن مقطع ایجاد ذخایر استراتژیک نفت، تشویق مازاد ظرفیت تولید و کنترل قیمت نفت بود. هم‌اکنون عدم تناسب روزافزون میان تولید و مصرف انرژی در سطح جهانی، امنیت انرژی را به مسئله اصلی مباحث امنیت بین‌الملل تبدیل کرده است. یکی از عواملی که مسئله امنیت انرژی را برای قدرت‌های بزرگ و کشورهای مصرف‌کننده عمده، حساس و پراهمیت می‌کند، افزایش وابستگی جهانی به منابع نفت و گاز، حداقل تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی و تأثیر آن بر اقتصاد کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده است. مفهوم وابستگی متقابل نیز در این زمینه مطرح است (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۲۵). از نظر صادرکنندگان انرژی، امنیت به معنای داشتن بازارهایی مداوم و مطمئن با ریسک‌پذیری بسیار پایین و عرضه انرژی با قیمت‌هایی منطقی است. از نظر مصرف‌کنندگان، این امنیت به سبب اطمینان از دسترسی آسان به منابع نفت و گاز، ایجاد ثبات در مناطق صادرکننده نفت، انتقال بدون خطر به بازارهای هدف و قیمت‌های مناسب است. به طوری که در درازمدت نگرانی برای تأمین انرژی مورد نیاز در اوضاع بحرانی وجود نداشته باشد. برای تحقق این هدف سیاست‌هایی چون: تنوع‌بخشی جغرافیایی برای تأمین انرژی، تنوع‌بخشی به مسیرهای انتقال انرژی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و اولویت دادن به منابع داخلی، مبارزه با اقدامات تروریستی مختل‌کننده انتقال انرژی و ثبات‌سازی مناطق تولیدکننده انرژی دنبال می‌شود. امنیت انرژی در وضعیت کنونی، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را به تعامل و رایزنی بیشتر واداشته است تا با پیگیری منافع مشترک و در نظر گرفتن آسیب‌پذیری متقابل زمینه استقرار الگوی همبستگی متقابل را برای تأمین دوجانبه

امنیت انرژی فراهم کنند (Brown, Rewey & Gagliano, 2003:8-10).

۲. سیاست انرژی اتحادیه اروپا

اروپا پس از افزایش چالش‌های حوزه انرژی در ده سال اخیر، از قبیل افزایش مصرف‌کنندگان در آسیا، افزایش آسیب‌پذیری تأسیسات صنعت انرژی از طریق عملیات تروریستی و تهدید انرژی روسیه، راهکارهای بسیاری را برای مقابله با تهدیدات عرضه انرژی دنبال کرده است.

سیاست انرژی در اتحادیه اروپا متشکل از قوانین به‌ویژه در زمینه بازار انرژی داخلی شامل تقویت منابع انرژی بازیافت‌شدنی، افزایش راندمان مصرف انرژی و ایمنی استفاده از انرژی هسته‌ای است. سیاست انرژی برای آینده بر امنیت و متنوع‌سازی منابع تأکید می‌کند؛ چرا که نیازی شدید و طولانی‌مدت، برای استفاده از انرژی‌های فسیلی وجود دارد (Meck Lenburg, 2006:1-4). در مجموع می‌توان گفت که سیاست انرژی اتحادیه اروپا در سه مؤلفه امنیت عرضه، بهره‌وری و حفظ محیط زیست تعریف می‌شود (Green Paper, 2008:1-2).

۱-۲. ایجاد تنوع در منابع تأمین انرژی

در سال ۲۰۰۹، ۲۷ عضو اتحادیه اروپا دو درصد از مصرف انرژی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. ۸۰ درصد این انرژی از سوخت‌های فسیلی تأمین شده است. ۸۰ درصد از واردات انرژی اروپا را نفت و حدود ۵۷ درصد آن را گاز تشکیل می‌دهد. وابستگی به واردات گاز طبیعی به طور مداوم رو به افزایش بوده است (The Europea Commision, Energy and TransPortin Figures, 2006). پیش‌بینی می‌شود که مصرف گاز طبیعی در اتحادیه اروپا در ۲۵ سال آینده دو برابر و به سرعت به مهم‌ترین سوخت مورد نیاز اروپا بدل شود. مصرف گاز طبیعی اتحادیه اروپا در حال حاضر ۱۸ درصد از مصرف جهانی را تشکیل می‌دهد.

افزایش همکاری با کشورهای شمال آفریقا، بخش دیگری از سیاست متنوع‌سازی عرضه انرژی به اتحادیه اروپا است. الجزایر یکی از بزرگ‌ترین عرضه‌کنندگان گاز به این اتحادیه است. در زمینه گاز مایع نیز الجزایر بخش مهمی از تقاضای اروپا را تأمین می‌کند (الجزایر تأمین‌کننده گاز طبیعی مورد نیاز پرتغال و

گاز مایع مورد نیاز یونان و بلژیک است). شبکه انتقال انرژی الجزایر - تونس - ایتالیا و صادرات گاز مایع از الجزایر به اسپانیا، بخش مهمی از شبکه صادرات انرژی از شمال آفریقا است. در سال‌های اخیر به منابع انرژی در لیبی و مصر توجه شده است و شرکت‌های اروپایی در این کشورها سرمایه‌گذاری کرده‌اند (North Africa - An Energy Source for Europe, 2004:1). سیاست اتحادیه اروپا برای تنوع‌سازی را می‌توان در بخش‌های زیر بیان کرد:

- احداث خط لوله نابوکو با ظرفیت ۷۲ تا ۸۲ میلیون متر مکعب؛
- واردات گاز مایع از حوزه شمال آفریقا و سرمایه‌گذاری برای بهره‌برداری از منابع قطر در خلیج فارس؛
- افزایش بهره‌گیری از منابع نروژ؛
- ایجاد رقابت بین تولیدکنندگان و مشارکت در تولید گاز در ایران، آسیای مرکزی و دریای خزر.

با افزایش واردات گاز از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه، سهم روسیه در تأمین گاز اروپا بسیار کاهش خواهد یافت. در این چهارچوب، مسیر جدید ترانزیت گاز (نابوکو) می‌تواند در تنوع‌بخشی بیشتر به واردات گاز اروپا مؤثر باشد.

جدول شماره ۱. منابع واردات گاز اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ و پیش‌بینی برای سال ۲۰۲۰ (میلیون متر

مکعب)

| نام کشور | ۲۰۱۰ | ۲۰۲۰ | نام کشور | ۲۰۱۰ | ۲۰۲۰ |
|----------|------|------|------------|------|------|
| الجزایر | ۷۱ | ۹۱ | لیبی | ۱۰ | ۱۰ |
| نروژ | ۱۶ | ۲۸ | قطر | ۲۵ | ۵۰ |
| نیجریه | ۹۵ | ۱۱۵ | آذربایجان | ۰ | ۶ |
| ایران | ۰ | ۸ | روسیه | ۱۵۰ | ۱۷۹ |
| مصر | ۱۷ | ۲۵ | دیگر مناطق | ۴ | ۴ |

منبع: <http://www.tse.fi>

جدول شماره ۲. منابع تأمین نفت اتحادیه اروپا به درصد

| ۲۰۱۱ | ۲۰۱۰ | ۲۰۰۹ | مناطق تأمین کننده انرژی |
|-------|-------|-------|-------------------------------------|
| ۱۴/۷۳ | ۱۷/۰۹ | ۱۶/۱۲ | خاورمیانه |
| ۲۲/۷۶ | ۲۱/۶۲ | ۲۲/۰۱ | افریقا |
| ۴۴/۴۴ | ۴۲/۴۰ | ۴۱/۵۴ | روسیه و سایر کشورهای عضو شورای سابق |
| ۲/۷۵ | ۳/۳۰ | ۳/۰۴ | امریکا |
| ۱۵/۳۳ | ۱۵/۵۹ | ۱۷/۲۷ | نروژ و سایر کشورهای اروپایی |

کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا: منبع <http://ec.europa.eu/energy/>

۲-۲. مصرف انرژی اروپا

همانطور که در گزارش سبز ۲۰۰۶ اتحادیه اروپا تحت عنوان «استراتژی اروپا برای انرژی دائم، رقابتی و مطمئن» پیش‌بینی شده است، در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، حدود ۷۰ درصد نیازهای اروپا در زمینه انرژی از خارج تأمین می‌شود (Piebalas, 2008: 1). افزایش وابستگی اروپا به واردات انرژی، آسیب‌پذیری این اتحادیه در مقابل عرضه‌کنندگان خارجی را بالا برده است و در حال حاضر، اروپا به طور فزاینده‌ای خود را به واردات گاز به‌ویژه از شرکت گازپروم روسیه وابسته می‌داند. روسیه ۳۳ درصد نفت و ۲۵ درصد گاز طبیعی اروپا را تأمین می‌کند. هنگامی که این کشور، جریان انتقال گاز به اوکراین و روسیه سفید را در ژانویه ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ متوقف کرد، اروپا بیش از پیش در پی تأمین بیشتر امنیت انرژی برآمد. از آنجا که اوکراین و روسیه سفید، اصلی‌ترین مسیر ترانزیت انرژی به کشورهای اروپایی هستند، اختلاف این کشورها با روسیه به بحران در عرضه انتقال انرژی به اتحادیه اروپا منجر خواهد شد. این اختلافات به‌ویژه در زمینه قیمت گاز طبیعی، خطر وابستگی به روسیه را بیشتر کرده است. اکنون این موضوع پذیرفته شده است که امنیت عرضه انرژی را نمی‌توان فقط از طریق سازوکارهای بازار تأمین کرد و همانطور که کمیسیون انرژی اروپا اشاره کرده است، تأمین امنیت انرژی، همراه با دائمی و رقابتی بودن آن سبب آغاز حرکت جدیدی به سمت سیاست‌گذاری انرژی اروپایی شده است (BPp.l.c.Group results First quarter, 2008). نتیجه آنکه امنیت انرژی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی اتحادیه اروپا تبدیل شده است. شورای اروپا به موضوع

امنیت انرژی با پیشنهاد طرح جدید انرژی برای اروپا^۱ در آوریل ۲۰۰۷ پاسخ داده است که به سیاست‌گذاری مشترک انرژی^۲ منتهی می‌شود.

به‌منظور تضمین امنیت و استمرار عرضه انرژی به اتحادیه اروپا، کشورهای عضو قصد دارند مذاکرات در زمینه انرژی را به شکلی کارآمد، به عنوان بلوکی واحد انجام دهند، به طوری که به متنوع ساختن عرضه و افزایش رقابت منجر شود. اتحادیه اروپا که با تأثیرات ژئوپلیتیکی برخاسته از افزایش وابستگی به خارج در زمینه انرژی مواجه است (به‌ویژه در زمینه گاز طبیعی)، تلاش می‌کند مبدأ عرضه‌کنندگان گاز را برای خود متنوع کند. عدم اطمینان در زمینه واردات گاز از روسیه و کسری موجود بین مصرف و تولید انرژی در اروپا، این اتحادیه را وادار کرده است تا به دنبال دیگر عرضه‌کنندگان انرژی باشد. در همین چهارچوب، منطقه خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس می‌تواند یکی از مراکز اصلی عرضه انرژی هیدروکربنی در نظر گرفته شود.

۳. جایگاه خلیج فارس در تأمین انرژی جهان

منطقه خلیج فارس با در اختیار داشتن سه چهارم ذخایر شناخته‌شده نفت جهان، اصلی‌ترین منبع انرژی فسیلی در دنیا است. کشورهای منطقه خلیج فارس شامل ایران، عراق، عربستان، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان، با ۷۱۵ میلیارد بشکه نفت، بیش از ۶۰ درصد ذخایر شناخته‌شده جهان را در اختیار دارند (belkin,2008:17). در پایان سال ۲۰۱۰ عربستان سعودی با بیش از ۲۴۶/۵۱۶ میلیارد بشکه ذخیره نفت، حدود ۲۱ درصد ذخایر جهان را در اختیار داشته است. ایران با ۱۵۱/۱۷ میلیارد بشکه نفت پس از آن و سپس عراق با ۱۴۳ میلیارد بشکه، کویت با ۱۰۱/۵ میلیارد بشکه و امارات متحده عربی با ۹۷/۸ میلیارد بشکه به ترتیب بالاترین ذخایر شناخته‌شده جهان را دارا هستند. بدین ترتیب، دارندگان اصلی ذخایر نفت جهان، پنج کشور ساحلی خلیج فارس هستند (www.Opec.org, 2011: 74).

در ابعاد منطقه‌ای نیز، خاورمیانه با ۷۴۳ میلیارد بشکه نفت که ۷۱۵ میلیارد آن به منطقه خلیج فارس متعلق است، مقام نخست ذخایر نفت جهان را دارد. امریکای

1. Energy Plan Europe
2. Common Energy Policy

شمالی با ۲۱۳ میلیارد بشکه در رتبه بعدی قرار دارد (Bp Statistics| Review of World Energy, 2009). کشورهای خلیج فارس همچنین از نظر میزان تولید نفت جایگاه بالایی در رده‌بندی انرژی جهانی دارند. هشت کشور خلیج فارس (ایران، امارات متحده عربی، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت) بیش از ۳۱/۹ درصد نفت جهان را تولید می‌کنند. در پایان سال ۲۰۱۰، عربستان سعودی با تولید ۱۰/۲ میلیون بشکه در روز که بیش از ۱۳ درصد تولید جهانی را دربرمی‌گیرد، بزرگ‌ترین صادرکننده نفت منطقه بوده است (http://www.eia.doe.gov,2011). بر اساس آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا، تولید نفت خلیج فارس در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۳۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. بر این مبنای، درصد تولید نفت این کشورها در کل تولید نفت جهان از ۲۸ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت (Oil Production table-barrels perday, 2008 :1). کشورهای منطقه خلیج فارس از نظر ذخایر گازی نیز با مالکیت حدود ۴۰/۶ درصد از کل ذخایر گازی، رتبه نخست جهان را دارند (http://www.eia.doe.gov,2011). طبق برآوردهای اداره اطلاعات انرژی در سال ۲۰۰۹، از مجموع ذخایر گاز طبیعی جهان که ۱۷۹/۵۳ تریلیون متر مکعب بوده است، ۴۰/۶ درصد در خاورمیانه، ۳۵/۷ درصد در اوراسیا، ۷/۹ درصد در آسیای شرقی، ۷/۸ درصد در آفریقا، یک چهارم درصد در امریکای شمالی، چهار هزارم درصد (۰/۰۰۴) در امریکای جنوبی و مرکزی قرار دارد (World Proved Reserves of oil and Natural Gas, 2009).

در منطقه خلیج فارس نیز ایران و قطر بالاترین حجم ذخایر گازی را در اختیار دارند. پارس جنوبی، بزرگ‌ترین میدان گازی جهان، در مرز این دو کشور قرار دارد که به تنهایی بیش از ۱۵ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز جهان را در خود جای داده است. کشورهای منطقه خلیج فارس به‌رغم برخورداری از حجم بسیار بالای ذخایر گاز طبیعی جهان، کمتر از ۱۰ درصد تولید جهان را دارند (نوبخت و قدیمی، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

۳-۱. خلیج فارس و تأمین انرژی اروپا

خلیج فارس اگرچه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی اروپا نیست، در سیاست

تنوع‌سازی اروپا می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گیرد. طبق آخرین گزارش شرکت بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۱۰ کشورهای حاشیه خلیج فارس بیش از ۵۱ درصد ذخایر نفت و ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار داشته‌اند. در حالی که تولیدات آنها فقط ۲۷ درصد در زمینه نفت و ۱۱ درصد در تولید گاز طبیعی است (Coskun, 2008:1). اتحادیه اروپا ۱۵ درصد واردات نفت و ۲ درصد گاز طبیعی خود را از خاورمیانه وارد می‌کند. در سال ۲۰۱۱، بالاترین سهم صادرات نفت خلیج فارس به اروپای غربی را عربستان (۶/۷۱ درصد) بر عهده داشت. همچنین بخشی از صادرات به اروپا را ایران (۴/۳۹ درصد) و عراق (۱/۹۸ درصد) تأمین کردند. این میزان ۱۴/۷۳ درصد از واردات نفت این اتحادیه را تشکیل می‌دهد (<http://ec.europa.eu>, 2011).

روشن است که صادرات نفت این منطقه تأثیر بسیار زیادی بر تجارت جهانی نفت دارد. در کنار نفت، خلیج فارس ۱/۹۲۳ تریلیون فوت مکعب ذخیره گازی دارد. تولید گاز طبیعی بیشتر به منظور تأمین نیاز بازارهای داخلی است؛ اما در سال‌های اخیر صادرات گاز مایع از قطر، عمان و امارات متحده به حدود ۹۰ میلیون متر مکعب افزایش یافته است و قطر توانسته است دو درصد از سهم بازار گاز اتحادیه اروپا را به دست آورد (Coskun, 2008 :1).

از بزرگ‌ترین موانع تأمین انرژی اروپا از ایران، تحریم‌های وضع شده علیه این کشور است. در صورت برطرف شدن این تحریم‌ها، ایران این ظرفیت را دارد تا بیش از ۲۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی به بازار اروپا عرضه کند. در این زمینه ایران منبع مناسبی برای سیاست متنوع‌سازی بازار گاز اروپا و کاهش وابستگی کامل این قاره به گازپروم است (Lebedev, 2009:2). به این منظور پروژه خط لوله نابوکو با هدف دریافت گاز از خزر، ایران و عراق در حال اجرا است. این خط لوله به طول ۳۳۰۰ کیلومتر قادر است سالانه ۳۱ میلیارد متر مکعب گاز را از منابع آسیای مرکزی - ایران و عراق به اروپای مرکزی منتقل کند (Strachota Loskot, 2008:2). طبق پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی امریکا، تولید نفت خلیج فارس به ۴۲/۹ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۰ افزایش خواهد یافت (Persian Gulf Oil and Gas Exports Fact Sheet, 2003: 1)؛ بنابراین نفت و گاز این منطقه جایگزین بسیار مهمی برای اتحادیه

اروپا به عنوان منبع اصلی انرژی با توجه به افزایش بالقوه تقاضا پس از سال ۲۰۱۵ خواهد بود.

جدول شماره ۳. میزان واردات نفت اتحادیه اروپا از خاورمیانه در سال ۲۰۱۱

| کشورهای منطقه خاورمیانه | درصد از کل واردات اتحادیه اروپا |
|-------------------------|---------------------------------|
| امارات متحده عربی | ۰/۰۵ |
| ایران | ۴/۳۹ |
| عراق | ۱/۹۸ |
| کویت | ۰/۶۸ |
| عمان | ۰/۰۱ |
| عربستان سعودی | ۶/۷۱ |
| سوریه | ۰/۹۱ |

کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا: منبع <http://ec.europa.eu/energy/>

۲-۳. روابط بین منطقه‌ای اتحادیه اروپا و خلیج فارس

اتحادیه اروپا به دلیل اینکه خلیج فارس می‌تواند یکی از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان گاز به اتحادیه اروپا باشد، ارزش بسیاری برای روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس قائل است. به همین دلیل شرکت‌های اروپایی فعال در زمینه انرژی، علاقمندی خود را برای خرید گاز مایع از خلیج فارس نشان داده‌اند. به علاوه در طول چندین سال، اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس مذاکراتی در زمینه‌های اقتصادی، تجاری و مسائل انرژی انجام داده‌اند. هم‌اکنون روابط اتحادیه اروپا با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (عربستان، بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی) در چهارچوب موافقت‌نامه همکاری که در سال ۱۹۸۹ میان جامعه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس به امضا رسید، برقرار است. هدف از این توافق‌نامه کمک به تقویت ثبات در منطقه استراتژیک خلیج فارس و تسهیل روابط سیاسی و اقتصادی میان طرفین است. در چهارچوب این توافق‌نامه دو

گروه کاری نیز در حوزه‌های انرژی و اقتصادی تشکیل شده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۷).

اتحادیه اروپا در چهارچوب موافقت‌نامه همکاری با شورای همکاری خلیج فارس، روابط خود را با این شورا بر سه اصل یعنی همکاری‌های سیاسی، مذاکرات تجارت آزاد و همکاری اقتصادی متمرکز کرده است. از نظر مقامات اروپایی، تقویت روابط تجاری و اقتصادی با شورای همکاری خلیج فارس از دو جهت می‌تواند برای اتحادیه اروپا مفید باشد. نخست، اتحادیه اروپا با حمایت از صادرات اعضای شورای همکاری خلیج فارس و تقویت نقش آنها در تجارت جهانی می‌تواند به شریک تجاری مهمی برای این شورا بدل شود. از طرفی با توجه به نیاز روزافزون اتحادیه اروپا به واردات نفت و گاز، تحکیم روابط در عرصه‌های اقتصادی و تجاری می‌تواند ثبات و پایداری بیشتری به واردات نفت آن اتحادیه از کشورهای خلیج فارس بدهد (واعظی، ۱۳۸۷: ۸).

در کنار مذاکرات برای توافق‌نامه تجارت آزاد، اتحادیه و اعضای شورای همکاری خلیج فارس، گفت‌وگوهایی را در زمینه همکاری درباره انرژی و محیط زیست انجام داده‌اند. در کنار این سطح از روابط، شرکت‌های اروپایی نقشی اصلی در سپرده‌گذاری برای توسعه صنعت نفت و گاز در بین کشورهای خلیج فارس از جمله عربستان سعودی بازی می‌کنند (Maleki, 2007:104-105). کاهش ذخایر گاز طبیعی در دریای شمال و استفاده روسیه از عرضه گاز طبیعی به عنوان اهرمی سیاسی، اعضای اتحادیه اروپا را به جستجوی دیگر عرضه‌کنندگان گاز واداشته است. در این میان، ایران ۲۸۰ تریلیون متر مکعب ذخیره گازی دارد و به نظر می‌رسد که نقش مهمی را در عرضه گاز به اتحادیه اروپا بازی کند. اتحادیه، ایران را منبعی برای تأمین گاز در بلندمدت در نظر گرفته است.

کمیسیون اروپا و ایران یک گروه کاری را در زمینه انرژی در مه ۱۹۹۹ تشکیل دادند. همچنین در سال ۱۹۹۹ کشورهای اروپایی توافق اینوگیت را به منظور ایجاد سیاستی مشترک با هدف استفاده بهینه از منابع انرژی برای کاهش خطرات سرمایه‌گذاری، افزایش بازده و توسعه مدیریت عملی منعقد کردند که مطابق استانداردهای بهداشتی، محیط زیست و تجارت اروپا باشد و از ایران برای

مشارکت در این برنامه (اینوگیت^۱) دعوت کردند؛ اما افزایش تنش‌ها درباره پرونده هسته‌ای ایران و نقش امریکا در اعمال تحریم و فشار بر فعالیت‌های اتمی، اروپا را در افزایش همکاری‌ها با ایران مردد کرده است (U. s. Energy Information Administration Independent Statistics and Analysis, 2008: 7-8). به‌رغم وجود تفاوت در دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس، هر دو طرف در زمینه انرژی دارای برخی اهداف مشترک و همچنین به افزایش امنیت و تداوم عرضه سوخت‌های فسیلی متعهد هستند. همانطور که پیشتر اشاره شد، اتحادیه اروپا منافع ویژه خود را در زمینه امنیت عرضه انرژی از طریق کارآمدی و متنوع‌سازی عرضه‌کنندگان و همچنین توسعه منابع جایگزین دنبال می‌کند. از سوی دیگر کشورهای خلیج فارس علاقمند به افزایش تقاضا برای ذخایر نفتی و گازی خود و ایجاد راه‌های بهینه برای صادرات خود و همچنین سرمایه‌گذاری گسترده به‌منظور تضمین عرضه نفت و گاز و نیز سیاست‌های آشکار و هماهنگ در بخش تقاضا هستند. در مقایسه با کشورهای تازه صنعتی‌شده مانند هند و چین که در حال تبدیل شدن به واردکنندگان منابع انرژی منطقه خلیج فارس هستند، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا روابط طولانی‌مدت‌تری با کشورهای منطقه برقرار کند.

این اتحادیه همچنین توافقاتی با کشورهای خاورمیانه به‌ویژه با عراق با هدف همکاری در توسعه زیرساخت‌های انرژی و ایجاد پروژه‌های زیست محیطی (طرح مدیترانه خورشیدی، همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای و طرح سوخت زیستی) انجام داده است (Stock Taking document Toward a new Energy Strategy for Europe, 2010: 4, 2011-2020). همچنین توجه اروپا به خلیج فارس از طریق اوپک نیز صورت می‌گیرد. گفت‌وگو با هدف ارتقای همکاری بین اوپک و اتحادیه اروپا «به نفع

1. Interstate Oil and Gas Transport To Europe (Inogate)

اینوگیت یک برنامه بین‌المللی در مورد همکاری انرژی بین اتحادیه اروپا و دولت‌های ساحلی دریای سیاه و دریای خزر می‌باشد. این برنامه با هدف همکاری جمعی برای دستیابی به چهار هدف عمده است:

همکاری در بازار انرژی با تأکید بر کشورهای اروپایی در بازار داخلی اروپا؛
افزایش امنیت انرژی (تنوع‌بخشی به عرضه ترانزیت و مدیریت تقاضا)
حمایت از توسعه انرژی پایدار (بهره‌وری - انرژی‌های تجدیدپذیر - مدیریت تقاضا)
افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی به صورت مشترک.

تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان»، بحث درباره قیمت نفت، شفافیت در بازار بین‌المللی نفت و سرمایه‌گذاری همواره وجود داشته است (Eu and Opec try to talk down oil prices, June 2007: 1).

۳-۳. فرصت‌های اتحادیه اروپا در خلیج فارس

از نظر تحلیلگران اروپایی، سیاستی فعال از سوی اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس، راه را برای شرکت‌های اروپایی در تجارت این منطقه باز می‌کند. تمایل به سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی در پروژه‌های نفت و گاز ایران مانند توسعه پارس جنوبی به‌منزله بزرگ‌ترین میدان ساحلی گاز جهان و بزرگ‌ترین پروژه انرژی ایران، نشان‌دهنده وجود ظرفیت ایجاد همکاری با اتحادیه اروپا در بخش انرژی است. از نظر برخی تحلیلگران اروپایی برای تداوم روابط تجاری با کشورهای منطقه خلیج فارس، اتحادیه اروپا می‌بایست موافقت‌نامه تجارت آزاد را با کشورهای منطقه امضا کند و ورود شرکت‌های اروپایی به بازارهای انرژی منطقه را تسهیل کند (Coskun, 2008: 17). با توجه به موضوع وابستگی متقابل اقتصادی تقویت شبکه‌های ارتباطی در زمینه انرژی می‌تواند به سود هر دو منطقه باشد. کشورهای منطقه خلیج فارس می‌توانند اجازه سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی را در صنعت انرژی صادر کنند تا از این طریق از منابع تجاری حاصل از آن منتفع شوند. برای رسیدن به این هدف، یک توافق‌نامه برای ایجاد منطقه آزاد تجاری می‌تواند شرکت‌های فعال را برای گسترش سرمایه‌گذاری و توسعه همگرایی اقتصادی در منطقه ترغیب کند.

اتحادیه اروپا منافع خود را در عرصه انرژی از طریق متنوع‌سازی عرضه‌کنندگان و توسعه استفاده از انرژی‌های جایگزین دنبال می‌کند. همچنین کشورهای منطقه خلیج فارس نیز به دنبال افزایش تقاضا برای ذخایر نفت و گاز خود و ایجاد راه‌های بهینه برای صادرات خود هستند تا از این طریق بتوانند بازارهای متعدد و شرکای اقتصادی مهمی در جهان به دست آورند (Shihab, 2007: 11). کشورهای این منطقه به دنبال جذب سرمایه‌های خارجی برای تضمین مناسب عرضه نفت و گاز و خواهان سیاست‌های روشن و منسجم در بخش

تقاضا هستند. به همین دلیل و برای رسیدن به این هدف فرصت‌هایی برای همکاری و فعالیت‌های مشترک میان اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه خلیج فارس در بخش انرژی وجود دارد. حضور و فعالیت اتحادیه اروپا در این منطقه به دلیل عوامل درونی و بیرونی همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. این موانع گاهی به حدی رسیده که اروپا را به بازیگری منفعل در مسائل این منطقه تبدیل کرده است.

۴. چالش‌های اتحادیه اروپا در زمینه تأمین انرژی از خلیج فارس

ضریب امنیت تأمین انرژی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در امریکا به‌شدت کاهش یافته است. نگاهی به مجموعه رخدادهایی که تأثیر بسیاری در کاهش و افزایش قیمت‌های نفت و مسدود شدن شبکه‌های انتقال انرژی داشته است، نشان می‌دهد که کاهش امنیت، بیش از هر حوزه‌ای کشورهای تولیدکننده را تهدید می‌کند. مهم‌ترین چالش‌هایی که بازار تأمین انرژی با آن روبه‌رو است را می‌توان موارد زیر دانست:

■ حملات تروریستی به زیرساخت‌های انرژی و شبکه خطوط انتقال انرژی،
■ محدودیت پالایشگاه‌های جهانی و عدم ظرفیت اضافی در مواقع بروز بحران که نمونه آن کاهش تولید نفت ونزوئلا در سال ۲۰۰۳، همزمان با اعتصاب‌های گسترده در این کشور بود که به افزایش قیمت نفت در بازار امریکا انجامید.

■ ناآرامی در استان‌های نفت‌خیز در نیجریه، طرح‌های القاعده برای خرابکاری در تأسیسات نفتی،
■ عدم سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی ایران و کاهش تولید عراق، پس از حمله به این کشور.

تأمین انرژی از خاورمیانه و خلیج فارس با چالش‌هایی مواجه است که به طور پیوسته از دهه ۱۹۵۰ ادامه داشته است. بحران کانال سوئز، ملی شدن صنعت نفت ایران، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس، بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای تولیدکننده، ظهور بازارهای گسترده چین و هند، تهدیدات گروه‌های تروریستی در سراسر منطقه، نگرانی از عرضه انرژی توسط ایران با توجه به تنش‌ها درباره

فعالیت‌های هسته‌ای، بخشی از نگرانی‌های اتحادیه اروپا درباره تأمین انرژی از منطقه است. این نگرانی پس از تحریم نفت توسط اعراب در دهه ۱۹۷۰ همچنان پابرجاست.

تحریم نفتی دهه ۱۹۷۰ به تلاش‌های اروپا برای یافتن منابع دیگر از جمله منابع اتحاد جماهیر شوروی، اروپا و سرمایه‌گذاری برای کاهش تحریم‌های انرژی منجر شد (Belkin, 2008:4). بازارهای نفت و گاز منطقه خلیج فارس به اتحادیه اروپا محدود نمی‌شود و کشورهایی چون هند، پاکستان و چین بازارهای بالقوه بلندمدتی برای منابع انرژی منطقه به شمار می‌آید. رشد جمعیت و توسعه اقتصادی هند و چین، فشار زیادی را برای تقاضای جهانی انرژی وارد کرده است. این رقابت شدید برای مصرف انرژی در آسیا و اروپا، اهمیت منابع نفت و گاز خلیج فارس را نشان می‌دهد. این منطقه مهم‌ترین منبع انرژی و بازار منطقه‌ای مناسبی برای کشور چین است که مصرف انرژی آن در دهه گذشته افزایش زیادی یافته است. در نتیجه این افزایش تقاضا برای انرژی، چینی‌ها قراردادی به مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار برای خرید نفت و گاز ایران به مدت ۲۵ سال منعقد کرده‌اند. چنین معاملات بلندمدتی، به گونه‌ای فزاینده سبب کاهش مشارکت اتحادیه اروپا در بخش انرژی منطقه می‌شود. با توجه به شکننده بودن وضعیت امنیت در منطقه که مستعد بی‌ثباتی سیاسی و حملات تروریستی است، اتحادیه اروپا برای ارائه سیاستی جامع در زمینه انرژی نیازمند توجه به زیرساخت‌های امنیت است.

در منطقه خلیج فارس کشورهای تولیدکننده و صادرکننده انرژی، یا حکومت‌هایی غیردموکراتیک دارند یا حکومت‌هایی بسیار اقتدارگرا بر آنها حاکم است. تا سال ۲۰۲۰ تقاضای انرژی جهان به بیش از ۵۰ درصد خواهد رسید. برای پاسخ‌گویی به این نیاز، خلیج فارس می‌بایست تولید خود را تا ۸۰ درصد افزایش دهد؛ اما زمانی این امر عملی خواهد شد که کشورهایی چون ایران از تحریم خارج شوند و سرمایه‌گذاری کافی در صنایع انرژی آنها صورت گیرد و منطقه ثبات سیاسی داشته باشد (Umbach, 2009:3). همانطور که شاهزاده ترکی بن فیصل آل سعود (سفیر پیشین عربستان در آمریکا) اشاره کرده است، هر گونه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند قیمت نفت را تا ۲۰۰ دلار افزایش دهد. نتیجه

مشابهی را نیز می‌توان از حمله تروریستی به دیگر تأسیسات نفتی در منطقه انتظار داشت. اروپا ۸۵ درصد گاز خود را از طریق خطوط لوله وارد می‌کند. حمله به خطوط لوله و زیرساخت‌های آن می‌تواند به قطع عرضه گاز منجر شود. حملات تروریستی در الخبر در سال ۱۹۹۶، ینبوع در مه ۲۰۰۵ و حمله به البقیق در فوریه ۲۰۰۶، شکننده بودن زیرساخت‌های انرژی منطقه را به خوبی نشان می‌دهد. به علاوه تنگه هرمز که ۸۵ درصد از نفت منطقه خلیج فارس از طریق آن صادر می‌شود، به امنیت زیادی نیاز دارد (Dgs Energy and transport, 2007: 3).^۱

سیاست تأمین انرژی اتحادیه اروپا، این اتحادیه را به در نظر داشتن ملاحظات بیشتر برای دسترسی به امنیت در خلیج فارس و پذیرش نقشی فعال‌تر در این آبراه تشویق می‌کند. مهم‌ترین نگرانی‌های اتحادیه اروپا در این زمینه را می‌توان موارد زیر برشمرد:

- دسترسی به نفت و گاز خلیج فارس با قیمتی کنترل‌شده و پیش‌بینی‌پذیر و دسترسی به بازارهای سودمند کشورهای منطقه؛
- تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در خلیج فارس؛
- کاهش میدان‌های نفتی اروپا و امریکای شمالی در مقایسه با منابع بلندمدت منطقه؛
- عدم اطمینان به ترانزیت دائم انرژی از حوزه خزر، آسیای مرکزی و روسیه؛
- افزایش تقاضای جهانی و ظهور رقاباتی همچون هند و چین (Parvizi (Amineh, 2004: 6)؛
- رشد بنیادگرایی و بروز حملات تروریستی به شبکه تولید و انتقال انرژی؛
- ابهام در پرونده هسته‌ای ایران و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز این کشور؛

۱. پایگاه هوایی امریکا در عربستان که در سال ۱۹۹۶ مورد حمله تروریستی قرار گرفت. از بنادر عربستان سعودی در دریای سرخ که روزانه ۵ میلیون بشکه نفت از این بندر صادر می‌شود. تاکنون چندین حمله تروریستی به تأسیسات انرژی و اتباع خارجی در این شهر صورت گرفته است.

از شرکت‌های بزرگ تولید نفت عربستان سعودی که در فوریه ۲۰۰۶ یکی از اعضای القاعده حملاتی را به تجهیزات پالایش نفت این شرکت در سواحل شرقی عربستان سازمان‌دهی کرد.

■ وابستگی انتقال انرژی از تنگه هرمز (۸۸ درصد خروج نفت از خلیج فارس از این تنگه صورت می‌گیرد).

تنش بین کشورهای ساحلی یا درگیری میان قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس (که نمونه آن جنگ نفت‌کش‌ها میان ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ است) می‌تواند انتقال انرژی به بازارهای جهانی را تهدید کند (فغفوری، ۱۳۸۷: ۷). موازنه تولید و مصرف انرژی در آینده به شدت تغییر خواهد کرد. نیاز به انرژی در سطح جهانی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ حدود ۶۶ درصد و در سال‌های بین ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۵ حدود ۵۸ درصد افزایش خواهد یافت. این افزایش مصرف جهانی انرژی پیامد رشد اقتصادی و جمعیت کشورهای در حال توسعه قاره آسیا است (Leonardo, 2006: 151). با تغییر تقاضای نفت از کشورهای صنعتی غرب به کشورهای پرجمعیت در حال توسعه نظیر چین و هندوستان، در قرن بیست و یکم پالایش جهانی نفت نیز از اروپا و ایالات متحده به کشورهای آسیایی و مناطق دیگر جهان انتقال خواهد یافت.

نگرانی دیگر اتحادیه اروپا وابستگی شدید این قاره به انرژی روسیه و بی‌اعتمادی به انرژی افریقای شمالی است. به‌منظور مواجهه با چالش دوگانه‌ای که اتحادیه اروپا با آن روبه‌رو است، یعنی بی‌ثباتی قیمت نفت و وابستگی فزاینده به واردات انرژی، سند سفید کمیسیون انرژی در سال ۱۹۹۵ بر اهمیت تأمین انرژی به‌منظور تداوم رشد اقتصادی موفقیت‌آمیز اتحادیه اروپا تأکید می‌کند. علاوه بر تأکید سند سفید بر امنیت تأمین انرژی و محافظت از محیط زیست، تأکید بر رقابت‌پذیری تجاری اروپا به‌منزله یکی از سه هدف مهم اتحادیه به رسمیت شناخته شده است. این اهداف بر اهمیت پیوند سیاسی و اقتصادی با کشورهای تولیدکننده نفت و گاز تأکید می‌کند. به‌منظور دستیابی به اهداف اشاره‌شده در سند سفید، نیاز به تدوین یک استراتژی جدید وجود دارد تا امنیت انرژی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأمین کند. تأکید بعدی در سند سبز سال ۲۰۰۰ بود که به موارد زیر توجه کرده بود:

■ جایگزینی دیگر منابع انرژی به جای نفت با استفاده از ابزارهای تکنولوژیک؛

■ تقاضا برای اجرای سیاستی مؤثر به منظور کاهش جایگاه انرژی در اقتصادهای اروپایی و قطع ارتباط بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی با ملاحظه همسانی سیاست‌های انرژی بین اعضای اتحادیه؛

■ به حداکثر رساندن حفاظت از محیط زیست شامل کارآمدی انرژی، ذخیره‌سازی انرژی و حفظ وضعیت آب‌وهوایی به‌ویژه در مصارف خانگی مطابق پروتکل کیوتو که هدف آن کاهش گازهای گلخانه‌ای است.

■ توانایی در کنترل چالش‌های عرضه انرژی قبل از بروز بحران‌های اضطراری (Sadeghi nia, 2006 :63-64).

نتیجه‌گیری

محور سیاست‌های اتحادیه اروپا، همانطور که در منشور انرژی ۲۰۲۰-۲۰۱۱ این اتحادیه گفته شده است، بر موضوع متنوع‌سازی متمرکز است. ایجاد تنوع و تکثر در فروشندگان انرژی و شبکه‌های ترانزیتی انرژی به اروپا، زیربنای سیاست‌های انرژی اروپا در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. این سیاست‌ها پیامد کاهش امنیت تأمین انرژی، آلودگی محیط زیست، افزایش قیمت‌های انرژی و ظهور بازیگران قدرتمند در مبادلات جهانی انرژی است.

حجم عظیم نفت و گاز موجود در خلیج فارس، این منطقه را مرکز توجه سیاست‌های انرژی اروپا قرار داده است. اگرچه بیشتر نفت و گاز خلیج فارس به اروپا صادر نمی‌شود، اتحادیه اروپا به دلیل اینکه این منطقه می‌تواند یکی از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان گاز به اتحادیه باشد، ارزش بسیاری برای روابط با دولت‌های حوزه خلیج فارس قائل است. بیش از ۱۴ درصد نفت وارداتی اروپا از خاورمیانه و خلیج فارس تأمین می‌شود. در سال ۲۰۰۹ قطر، ۲/۱ درصد از گاز مصرفی اتحادیه اروپا را تأمین کرده است. قطر، لیبی و مصر مهم‌ترین صادرکنندگان گاز خاورمیانه هستند. اتحادیه اروپا برای افزایش واردات انرژی به‌ویژه گاز طبیعی از خلیج فارس، پروژه نابوکو را طرح‌ریزی کرده است. قرار است بخشی از ظرفیت این خط لوله از طریق شبکه گاز ایران و عراق تأمین شود. توافق بازسازی زیرساخت‌های انرژی در عراق؛ موافقت‌نامه همکاری با شورای همکاری خلیج

فارس به منظور افزایش همکاری‌های تجاری - اقتصادی؛ ایفای نقشی اصلی توسط شرکت‌های اروپایی در سپرده‌گذاری برای توسعه صنعت نفت و گاز؛ ارتقای همکاری اوپک و اتحادیه اروپا با هدف ایجاد شفافیت در بازار بین‌المللی نفت و سرمایه‌گذاری و بحث درباره قیمت نفت از جمله همکاری‌های دو طرف است. البته کشورهای دیگری مانند هند و چین بازارهای بالقوه بلندمدتی برای منابع انرژی منطقه هستند. چینی‌ها قراردادی را به مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار برای خرید نفت و گاز ایران به مدت ۲۵ سال منعقد کرده‌اند. چنین معاملات بلندمدتی میان کشورهای خلیج فارس با چین و هند باعث کاهش مشارکت اتحادیه اروپا در انرژی منطقه خواهد شد. در کنار این مسائل منطقه خلیج فارس مستعد بی‌ثباتی سیاسی و حملات تروریستی است. به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا تمایلی به استفاده از نیروی نظامی برای تأمین امنیت منطقه خلیج فارس ندارد. استراتژی اتحادیه اروپا در این زمینه حول قدرت نرم و مذاکره با کشورهای تولیدکننده انرژی است. *

کتابنامه

- فغفوری، پروین (۱۳۸۷)، «تنگه هرمز و چالش‌های امنیت انرژی»، *ماهنامه تازه‌های انرژی*، ۱ (۱)، ۶-۱۰.
- نوبخت، محمدباقر و خلیل قدیمی (۱۳۸۷)، *منطقه آزاد انرژی در ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، *رویکرد اتحادیه اروپا به خاورمیانه*، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- _____ (۱۳۸۹)، *دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس*، مقاله ارائه‌شده به همایش علمی نفت و سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- Analysis: European High Energy Authority?*, (2007) , <http://www.Euractive.Com /en/energy/analysis-european-high-energy-authority/article-156622>.
- BP p. l. c. Group results First quarter* (2008) , <http://www.bp.com/liveassets/bpinternet/globalbp-uk-english/report-and/publication-review/pdf/2008.P.1>.
- Belkin, Paul, (2008) , "The European Union Energy Security Challenge", *Congressional Research Service*, www.fas.org/spp/crs/row/RL33636.pdf.
- Brown, Matthew H, Christie Rewey and Troy Gagliano, (2003) , *Energy Security, National Conference of State Legislatures*, Available in <http://www.oe.netl.doe.gov/docs/prepare/NCSLEnergy%20Security.pdf>.
- Bp Statisticsl Review of World Energy*, (2009) , <http://www.bp.com/section-generic-article>.
- Coskun, Bezan, (2008) , *The Eu Quest for Energy Security and Persian Gulf*, <http://www.jhubc.it/ecpr-riga/virtualpaperroom/027.pdf>.
- Dgs Energy and transport*, (2007) , http://ec.europa.eu/dgs/energy_transport/security/infrastructure/index_en.htm.
- Energy Security*, (2009) www.iea.org/subjectqueries/keyresult.
- European Commission Directorate- General for Energy*, (2010) ,

energy/observatory/oil/import_export_en. htm.

Jackson, Robert and Gorge, Sorenson (2007), *Introsuction to International Relations: Theories and Aproaches*.

Lebedev, Kirill, (2009) , *Gazprom Might Loseyet Unconquerd European LNG Market*, <http://www.ifs.ru/upload/100409- gazprom. pdf>.

Lenburg, Karsten Meck, (2006) , *EU-Turkey Relations in the Field of Energy, European Parliament*, www.uroparl.europa.eu ocs/meetd.

Leonardo, Maugeri, (2006) , *Two Cheers for Expensive oil, Foreign Affairs*, vol. 85 ,No. 4.

Loskot, Agata Strachota, (2008) , *Nabucco Vs. South stream Rivalry Over gas Pipline, Centre for eastern studies*, http://kms1.isn.ethz.ch/service engine/files/isn commentary_03pdf.

Maleki , Abbas, (2007) , *Energy Supply and Demand Eurasia: cooperation between EU and Iran*, <http://www.isdp.eu/files /publications/cefq /07/am07energy supply. pdf>.

North Africa – An Energy Source for Europe?, (2004) , www.Kingston energy.com/nagas1204. pdf.

Oil Production table-barrels perday, (2008) , <http://www.bp.com/liveassets>

Parvizi Amineh, Mehdi, (2004) , *Caspian Energy: Aviable Alternative to the Persian Gulf*, www.org/publication Bulletin/ebmarapr04p6. pdf.

Persian Gulf Oil and Gas Exports Fact Sheet , (2003) , <http://www.eia.doe.gov/cabs/gulf2.html>.

Piebalas, Andris, (2008) *Energy Cmmissioner, European Energy Security Policy Speech at the European Brussels Summit*, <http://europa.eu/rapid/press releases action.do>.

Sadeghi-nia, Mabboubeh, (2006) , *The European Union and Persian Gulf Energy Security*, <http://padis2.uniroma1.it:81/ojs/index.php/JMEG/article/viewPDFIntertitial>.

Sajedi, Amir, (2009) , *Geopolitics of The Persian Gulf Security: Iran and The United States*, *IPRI Journal*, Vol. IX, No. 2, <http://ipirpak.org/journal/summer 2009/Article5. pdf>.

Shihab, Adnan Eldin, (2007) , *Former Acting Secretary General of Opec, "Prospect for Eu/Gcc Energy Cooperation"*, *Gulf Research Centre Gcc- Eu Research Bulletin, Issue7*

Stock Taking document Toward a new Energy Strategy for Europe 2011-2020, (2010) ,

<http://ec.europa.eu>.

The European Commission, Energy and Transport in Figures, (2006) , <http://ec.europa.energy-transport/figures/pocketbook>.

U. s. Energy Information Administration Independent Statistics and Analysis, (2008) ,
<http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/iran/pdf>.

Umbach, Frank, (2009) , *Further Transport, Pipelines and Energy Security*, European Parliament, Brussels, www.europarl.europa.eu/meetdocs/ppt-umbach-en.pdf.

World Proved Reserves of oil and Natural Gas (2009) , <http://www.eia.gov/emeu/international/reserves.html>.

World Energy Report, (2008) , <http://www.iea.org>.

http://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/330.htm.

<http://www.eia.doe.gov>.